کشف تلقی مرحوم کلینی از روایات « حرف واحد »

حال چیزی که به ذهن من آمد این است: مرحوم کلینی در باب نوادر این دو روایت را آورده‌اند. ما بیاییم واقع‌دیدگاه خود مرحوم کلینی را کشف کنیم. آن چه که در ذهن شریف ایشان بوده و از این «ان القرآن حرف واحد نزل من عند واحد» چیست. دو روایت بود:

> عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَ لَكِنَّ الِاخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ
> عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ
>
> فَقَالَ كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُ نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ[1]

این دو روایت کافی شریف است که عرض کردم از قرن یازدهم مفصلا به این دو روایت استدلال شده است بر علیه سائر علماء شیعه و جمهور مجتهدین من اصحابنا که می‌گویند «ان كل من القراءات السبع، من عند اللّه تعالى، نزل به الروح الامين».

چیزی که به ذهن من آمد و شاید هم قبلا نبوده و برای خودم هم جدید بود، این بود که در خود کافی شریف به‌صورت مصداقی آن را بررسی کنیم. یعنی از سائر موارد روایات کافی به دست بیاوریم که تلقی ذهنی مرحوم کلینی به‌عنوان یک محدث بسیار بزرگ در طلیعه قرن چهارم -که عمرشان در قرن سوم گذشته است- از «کذبوا اعداء الله، ان القرآن حرف واحد» چه بوده. یعنی می‌فهمیدند در میان این همه قرائات، آن چیزی که ملک وحی آورده است، تنها یکی از آن‌ها است؟! مثلا در نماز ملک وحی ای «ملک یوم الدین» را آورده ای «مالک یوم الدین» را؟! همانی که در البیان آوردیم و خواندیم. در حاشیه عروه آوردیم و خواندیم که می‌گفتند احتیاط کنید هر دو را بخوانید ای دوبار نماز بخوانید. بحث‌های مفصلی که در متأخرین مطرح شده است. اصلا در میان جلوترها اسمی از این‌ها نبود. یعنی آن‌ها نمی فهمیدند اگر یکی از این‌ها کلام خداست دو نماز بخوانند و احتیاط کنند؟! خب «ملک» می‌گویی ای «مالک»؟! اجماع رفتاری امامیه در بیرون به این صورت بوده و هیچ مشکلی هم ندا‌شتند؛ هر دو را بخوانید نمازتان درست است.

در چنین فضای تلقی این بزرگواران از «حرفٌ واحد» چه بوده؟ من با کار دو-سه ساعته؛ حال اگر دیگران بخواهند آن را ادامه دهند چه بسا شواهد عالی پیدا شود. هر چه ما پیش می‌رفتیم آقایان برای خود من شواهدی را می‌گفتند که به‌آور بود. شواهدی به این خوبی که هر کدام در کتب روائی آن ها پیش می آمد.

[1]الكافي (ط - الإسلامية)، ج٢، ص: ٦٣٠

بازبینی #3
ایجاد شده 11 مارس 2024 17:27:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 15:31:17 توسط ... .